



رُوز نامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل ، متن قوانین - تعمیینات - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرمانی - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات -

شماره تلفن : ۵۴۴۸-۸۸۹۶ - ۸۸۹۵-۸۸۹۴

۱ شنبه ۷ شهریور ماه ۱۳۲۷

میرز: سید محمد حاشمی

سال چهارم - شماره ۱۰۲۸

صفحه ۳۳۸۵

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۹۱۰

روزنامه رسمی

فهرست مذکور جات

- ۱ - بقیه صورت م مشروع مذاکرات نود و شصتمین جلسه
- دورة پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۰
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۱

ایشان را پنهان کرد که آقا شما همیشه یکدعاوای دهم تصویب کردید چه وقت بمن اعتبار کافی دادید که من زندانها را تمدیر بکنم و زندانیها را راحت بکنم البته من هم اگر این جواب را بشنوم ممکن است که رأی مثبت بدhem ول موضع ارز که بنده استیضاح کردم یا نهوضو ع بسیار جداگانه است ایشان است که بنده از مقام ریاست استدعا میکنم مقسمه اینهوضو را در نظر داشته باشند و بنده در اینهوضو بیشنهادی هم تهیه کرده ام که بموقع خودش تقدیم مقام ریاست خواهد شد البته وقتی که هر ایشان بنده تمام شد انت از دارم توجهی بایهوضو ع برداشت که همیشه استیضاح میشوم آقایان نایندگان محترم بخاطر دارند که در همهین مجلس شو ای منی اوائل دوره ۱۵ چند جلسه بیش نگذشته بود که بنده در همین جا بعرض آقایان محترم رساندم که آرزوی بنده ایشان کدر دوره ۱۵ یک برنامه داشته باشیم و یک دولت این حقیقت من بود هقیقت من این بود که احکمیت مجلس شورای ملی دوره ۱۵ یکدولت صالحی وجود بیاورد و در تمام دوره ما یک برنامه باید عمل شود صورت مذاکرات مجلس شورای ملی موجود است اینهوض من در آنجا ثبت شده بنا بر این من شخصا از ایجاد بعران و سقوط دولت بزار و متغیر ، فتح طرف فقط قانون شکنی وزیر رسانید که این قانون اساسی و قانون مدنکن

مذاکرات مجلس

جلسه ۹۶-۳۴

صورت م مشروع مذاکرات مجلس روز ایشان ۳۱ - امداده ۱۳۴۷

فهرست مطالب :

۱ - استیضاح آقای اردلان از دولت

۲ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهل دقیقه قبل از ظهر برای است آقای رضا حکمت تشکیل گردید

رئیسی - جلسه پیش بعنوان تنفس ختم شد صورت جلسه نیست ، آقای اردلان بیاناتان را بکنید .

۱- استیضاح آقای اردلان از دولت اردلان - بنده قبل از اینکه شروع بعرض مطلب بکنم یک طلبی است که باید جناب آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی توجه بفرمایند چون مر بوط بجناب معظم له خواهد بود . چنانچه آقایان نایندگان قدر م مستحضر هستند استیضاحی که بنده تو سطا پس شورای ملی بجناب آقای هزیر نموده بودم مر بوط بصدور تصویب نامه ارز بود و نایندگان محترم جناب آقای اسکندری استیضاح یکه فرمودند یک موضوع بکلی متمایز و جداگانه است بنا بر این طبق جناب آقای اسکندری نایندگان محترم که روز تعیین جلسه نظاین ام مجلس شورای ملی که روز تعیین جلسه استیضاح شد من از مقام ریاست اجراخ خواستم و بحضور شان هر شکنی را که استیضاح بنده را باید رأی

*) عین بقیه مذاکرات مشروع نود و شصتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره آئند نویسی و تحریر صورت مجلس

کدام را باور کنم؟ من استدعا میکنم به رای این من میگویم دقت بفرمائید اگر بیهوده آدمد و فت شما را گرفتم زبان مرد بیهوده بینه در استپساح خودم هر ضر کردم که دولت جناب آفای هزیر نقش اصل ۹۲ متن قانون اساسی را نموده است اصل ۹۴ متن قانون اساسی بشرح زیر است «بجز قسم مالیات رقوار نمیشود مگر بحکم قانون» بندۀ از روی همین تصویب نامه برای آفایان اثبات خواهم کرد که جناب آفای هزیر وضع مالیات فرموده اند (کشاورز سدر — جلوتر هم همین طور بود) آفای خواهش میکنم بگذارند برای این موضع که تمام شد بعد تشریف بیاورید اینجا صحبت بکنید این یک موضوع است که بندۀ خلیل رحمت کشیدم مدارکش را تهی کردم در تصویب نامه ۲۷.۵-۴ فقره ۸ نوشته شده است که اعتبارات استادی که تا این تاریخ بیرون گواهی فروش ارز توسط بانک های مجاز گرفته شده و تا تاریخ صدور این تصویب نامه وارد نکرده اند و همچنان بروات و صولی بعداز صدور این تصویب نامه باشند و باز حکم نهاده این تصویب نامه میباشد و باز حکم نهاده اعتبار بروات بگیرید باید گواهی فروش ارز ثبت بیزان مندرج در این تصویب نامه بیانک مجاز تسليم نماید آفایان نمایندگان محترم تصریح هستند اشخاصی که در تجارت وارد هستند یک جنسی را که سفارش میدهند تا این جنس وارد بشود اقلال بیکمال طول میکشد. ببوج بندۀ شتم این تصویب نامه نوشته است هر کس در بانک ملی ایران و بانک های مجاز کالانی برای ایران وارد کرده حسابش واریز نشده باید بروید گواهی نامه بخرد و تسليم بانک بکنید یعنی آنوقتی که دولت وقت لبره ۱۳ تومان را داد کلا وارد کردند حالا برای بعضی کالاهای لبره ۱۷ تومان و بیکران و سه عباسی و برای بعضی ها بیست تومان و دو قران و هفتاد دینار و برای بعضیها یکمقدار دادیگر یول بدهد آن حساب را ازین کند بندۀ میخواهم به بین این مالیات نیست مردم یک مملکتی چطرب مالیات میدهند؟ بندۀ این قانون را لالان میخواهم ماده چهارم قانون محاسبات همومن مصوب دهم استند ماه ۱۳۱۲ را بندۀ میخوانم که کوینه «جزعوارض و مالیاتی های مقرر بوج قانون اخذ هر گونه هوارض و مالیات دیگر بهر اس و درسم که باشد منوع است همالي که امر باخت مالیات های غیر قانونی بدنه و اشخاصیه» فهرست و تعریف و استاد آزا تهی نمایند و کسانیکه متصدی وصول آن بشوند مشمول مقررات ماده ۱۵۴ اقانون میگیرند این مالیات بود (مزواوار این را با جبار نمیگیرند این مالیات نیست) ممکن است جنابعلی بعمل بدهید ولی بندۀ از حق مردم دفاع میکنم (سزاوار — من که نمی فهم این چطرب مالیاتی است) فهش خلیل مشکل است جنابعلی دقت بکنید تا بفهمید، بندۀ از نمایندگان محترم استند عالمیکنم است حامیکنم که هر این من توجه بفرمائید هر کسی هرجنسی وارد کرده بود درظرف این بیکمال دوسال آخر و باینکاهی وارد مذاکره شده بود و هنوز حساب تصفیه نشده بود و اینه سیزده تومان خریده بسود دولت جناب آفای هزیر بوج این تصویب نامه مقرز فرمودند که مالیات جدید را این آدم نداشت از این اعتمادی که ما کردیم سوه استفاده محکم نهاد آفایان نمایندگان محترم چطور ممکن است که بیک دولتی بیک دیگر نیست دولتی ما بتوانیم در اعتمادمان باقی باشیم و قنی که این رئیس دولت حال آن گفتگه ای که بخود من فرمودند کسی نشیند ولی آن نامه ای که جناب آفای نخست وزیر دوروزنامه نوشته شد برای شما میخواهی خوانم تصویب نامه راهنمیگوانم واز شما قضایت میخواهید در وزیر اطلاعات مورخه ۲۷-۰-۱ نوشته اند نامه آفای نخست وزیر دوروزنامه محترم و از نامه اطلاعات در نامه اطلاعات نوشته بود که از فروش این گواهی نامه های مبلغ هنگفتگی های برات از فراهم میشود و مخواهش میکنیم که این عایدات بصرف خوبی بررس و حیف و میل نشود و اگر هم میخواهید مصرف حکم بکنید برای پائیں آوردن هزینه زندگی بکنید (جناب آفای نخست وزیر نامه ای با اطلاعات نوشته اند بندۀ یک قسمت سه سطری از آن را میخواهیم اگر یکبار دیگر در متن تصویب نامه دقت شود معلوم خواهد گردید که بوج تصویب نامه مزبور منحصر باسعار حاصله از صادرات گواهی نامه فروش ارزخواهد داد نخست وزیر بروز نامه اطلاعات مینویسد که منحصر باسعار حاصله از صادرات گواهی نامه خواهد داد منحصر از صادرات گواهی نامه بجهت که نخست وزیر رسمی میتواند تصویب نامه ای را اگر ایشان قانون صریح مجلس شورای ملی را نقض کرددند این صلاح دولت میدانند که باید نزد ناز را از زباله ببرند یا گواهی نامه ایجاد بکنند ممکن بود لایحه ای ب مجلس شورای ملی مبارزه میکند و مادر مجلس میشنستیم اگر رأی میدادیم البته قانون و معتبر بود اهتراض من و استیضاح من اینست که دولت ایشان نقض کرددند این قانون صریح مجلس شورای ملی را از زباله ببرند که نخست وزیر بروز نامه ایجاد شده بجهت این تصویب نامه که بندۀ کردم اسم گواهی نامه بردنند یک تصویب نامه ای در تاریخ ۱۳۲۷.۵-۵ در روزنامه اطلاعات و سایر جراید نوشته بود که از طرف دولت صادر شده که در رادیو هم گفتند که این تصویب نامه را صلاح کردن نخیر خیلی عذر میخواهیم تصویب نامه دومی تاریخ ۱۳۲۷.۵-۲۱ است در تصویب نامه دومی مینویسد الف - مقصد از گواهی نامه فروش ارز که در ماده یک تصویب نامه شماره ۷۹۱۲ ذکر گردیده همان اعلامیه خرید ارز است که قبل هم داده بیشود آفایان بخطار دارم و قبیله بچه بودم دایه ای داشتم که میگفت چشم داشت دام بگذار که خواب در ش وارد نشود منکه هم میگذاشتم خواب میرد و معامله دولت و مجلس هم عین همین است مثل اینست که استیضاحی که بندۀ کردم از روزنامه گواهی نامه کردم امش را بگذارند گواهی فروش ارز، امش را بگذارند ارز نمایندگان از خود میخواهند بگذارند اگر ارزشی برای آن بخواهند قائل بشوند مورد اعتراض من است اگر برای ۱۰ هیاتی چهار قران ارزش قابل شدن مورد اعتراض من است ولی اگر ارزش برای آن قابل نیستند چنانچه سابقاً نداشت (ابوالقاسم بهبهانی - ساقمه داشت) اگر چنانچه سابق سفارت ایتابایا یا سفارت بلژیک یک ارزی را بدولت میفرمودت یک صورت حسابی را برایش میفرستادند سابقاً این اعلامیه خرید ارز بود این اعلامیه ارزش برای آن قابل نیستند چنانچه از رز هر لیمایش ۱۰۴ ریال قبیله دارد و من اعتراض بلغت گواهی نامه بود آقا اعتراض بعن مطلب است یک نکته ای هست که در ششون اجتماعی باید بآن دقت شود و آن ایجاد اعتماد اشخاص باشخاص است دولت به مجلس رئیس بر توکل بفرمود است در تمام ششون اجتماعی اگر این اعتماد نباشد تمام کارها فلنج میشود

محدودیتی بعمل نیافردا مده بود فروش لیره پنجه
رسمی بازک همچنان ادامه دارد، در صفحه ۴۰۶
شماره ۷۸ خوانده میشود بهای حواله های ایمه
انگلیسی که در اول ماه ۱۴۴ ۱۴۳ بود، در آخر
آبان ۱۳۲۴ بعد از ۱۴۳ ریال تنزل کرد، آن
موقعی که فروخت آمد یائین تفاوت نرخ رسمی ۱۲۰
ریال تفاوت بازار آزاد یک تومن بازتر خود رسمی در
سال ۱۳۲۵ مجله بازنگاری ایران شماره ۸۱ فروردین
ازدیبهشت ۱۳۲۵ مونویسید بازار ارز - در اراده بهشت ماه
۱۳۲۵ بازار معاملات حواله های ارز های خارجی
بطور کان خبلی را کد بود - بهای حواله دلار که
بعد از تنزل فاشن در فروردین ۱۳۲۵ در اوخر
آنماه اندکی ترقی کرد و در دوم اردیبهشت ۱۳۲۴ -
ریال رسیده بود در طاول اینماه یائین آمد در ۲۶
اردیبهشت ۱۳۲۵ بسی و هفت ریال و پنجاه دینار
رسید و در آخر ماه بسی و هشت ریال و ۲۵ دینار،
بهای حواله لیره در دوم اردیبهشت ۱۳۲۵
یکصد و سی و هشت ریال و در ۲۹ اردیبهشت
یکصد و سی و چهار ریال و در آخر ماه ۱۴۵ ریال
بود و همچنین در مجله بازنگاری ایران در شماره
۱۳۲۵ صفحه ۱۹۷ ۱ مریبوط بخرداد و تیر ماه
می نویسد .

بازار ارز - معاملات ارز آزاد در خرداد ماه ۱۳۲۵ بطور کلی
بی رونق بود فقط در اوخر ماه اندک رونقی در
معاملات آنها بخصوص لیره حاصل شد و مظنه ها
محتمری ترقی کرد، حداقل نرخ حواله دلار ۳۷
ریال و ۵۰ دینار وحد اکثر ۳۸ ریال و ۵۰ دینار،
حداقل نرخ حواله لیره ۱۳۴ ریال و حد اکثر آن
۱۳۶ ریال در آخر ماه بود استدعا میکنم آقایان
نمایندگان محترم باین قسمت گزارش توجه بفرمایند
که این نکات بسیارقابل توجه و دقت است عرض کنم
که همچنین در مجله بازنگاری ایران شماره ۱۴۳ در
صفحه ۳۳۰ مرداد و شهریور ماه ۱۳۲۵ مینویسد
از هفته دوم شهریور بازار بتدریج و تنق خود را از
دست داد بخصوص بعداز تصویب نامه هیئت وزیران
را جمع با جازه فروش ارزهای که بازنگاری ایران موجود
دازد برای باز کردن اعتبار استاندار مظنه اغلب کالاهای
وارداتی سست شد و رو بتنزل نهاد آقایان نمایندگان
مالحظه مبهر مایند که چه هیب داشت مایان سیاست
را تعقیب میکردیم ؟ مگر مردم این مملکت گناه
کرده بودند که این سیاست دنبال نشد مجله بازنگاری
ملی میگویند که وقتی ما فروختیم قیمت ها آمدیان
جز این سیاست را دنبال نکردند؛ برای اینکه امور وزیر
را این سیاست را دنبال نکردند تو ان حال آنرا همینه هست راخواهم گفت
و همچنین در مجله بازنگاری ایران شماره ۸۰ در
صفحه ۵۷۲ مریبوط با آخر سال ۱۳۲۵ یعنی دیماه
مینویسد :

رکورد بازار معاملات ارز های آزاد که از
نیمه آذر ماه شروع شده بود در دی ماه ۱۳۲۵ بهای
همچنان ادامه داشت و تنزل بهای آن برخلاف ماه
گذشته شامل ارز های موجودی مخصوص واردات
بینز کردید، بهای لیره حواله که در اول دیماه ۱۵۴
ریال بود تنزل کرد در آخر به ۱۴۸ ریال رسید
بنابراین تفاوت بازار آزاد باز ده دوازده ریال پیشتر
بود، این نکته قابل توجه است که تنی میکنم آقایان
نمایندگان محترم دقت فرمایند در مجله بازنگاری
بران در صفحه ۶۸ شماره ۱۴۴ بهمن و استند ۱۳۲۵

و تصنی است فقط و فقط برای این بوده است میکنم از اگر باید یافین لیره ایپرند بالا و کسی تعجبی نداشته باشد و بگویند لیره بست و چهار تومن بود چطور بردن بالا من ثابت میکنم که این دستگاه دولت خودش ارز دولتی را برده است بالا من دست آن بیرون مرد را از اینجا میبوم آفای حکیم الملک که حاضر نشد لایعه این کار را بیاورد مجلس آن وقت اینها آمدند و این کار را اکردن و این بدینتی را برای مملکت ما فراهم کردند و تمام این ترقی ارز مصنوعی بود آقا (صحیح است) من عربضم را رقم در سکتابخانه مجلس شورای ملی از روی مجله های باشکوه ملی ایران در مدت چهار سال که بود دانه داشت ورق زدم و خواندم و بخودم زحمت دادم و هر رضی که این جا میکنم باشکوه همان گرافیک اقتصادی باشکوه ملی ایران است که ملاحظه میکنید آقا هر وقت دولت ارز صدو سی ریال داد قیمت زندگی آمد یافته و هر وقت خواست باید یافته خودش تصنی این را بالا برد آقا خود این فروشنده گان دستگاه ارز این بلا را سر ما آوردند برای این که برای ما تعجبی نباشد آمدند لیره ۶۷ ریال را کردند ۱۳۰ ریال و آن وقت نصف هزینه چنان متفقین را بدوش ما گذاشتند (صحیح است) بقول جامی که میگوید تا کی زمانه داغ نوا بر چگر نهد یک داغ کهنه نا شده داغ دگرنهد آمده اند یک داغ دیگر بملت ایران وارد کردند و این لیره دوازده تومن و هشت ریال را ۲۴ تومن کردند آنچه طور این چیز هاراملت ایران متواند تعلم بکند ؟ من تقاضا میکنم از آقایان که این گزارش را توجه کنند این گزارشی است که استخراج شده است از مجله باشکوه ملی ایران که باید ابتدا آن را بعرض آقایان نمایندگان بر ساندم در موقع جنک وقتی که متفقین در این جا بودند و از های زیادی میفر و ختنند کمیسیون ارز را دولت برچیده بنا بر این یادگاره از ایران به آمدن دارازی ریلند و بخارج فرستادند حالا با همان ارز قماش وارد کردند که بموجب این تصویب بنامه دولت میلیون ریال با آنها بخشود شده ، خیلی خوب چون در آن تاریخ کمیسیون ارزنبوده مانع توانیم تعبین کنیم کدام اشخاص ارز گرفته اند چون تاریخش در اوایل سال ۱۳۲۴ است بنابر این این سیچهار صفحه ایکه بنده بطور خلاصه عرض میکنم مربوط سال ۱۳۲۴ است و سال ۱۳۲۵ و سال ۱۳۲۶ مربوط باین سه سال کا کر آقایان نمایندگان توجه بفرمایند یک گزارش مختصری ازو ضمیمه ارزی بذست میآورند در گزارش اولش که مال سال ۱۳۲۴ است در مجله باشکوه ملی شماره ۷۶ در صفحه ۱۵۴ مربوط بخرداد و تیر ماه ۱۳۲۴ این مجله راجع بوضع بازار ارز است که بنده برای آقایان میخواهم وضع بازار ارز ، قیمت دلار آزاد که مدتی در حوالي ۴۱ ریال متوقف بود تا ۵۶ ریال بالا رفت هلت ترقی دلار آزاد خود داری باشکوه ملی ایران از فروش دلار بوده است این هیارت صریح مجله باشکوه است که میگوید آن وقت که من میفر و ختم بازار رفت بالا در مجله باشکوه شماره ۷۷ صفحه ۲۹۱ مرداد و شهریور ماه ۱۳۲۴ مینویسد : چون در مسلمات لیره انگلیسی هبچ-گونه حق انحصار میگرفتند پسند تخمین میکنند شدت تومن که جمع آن مبتدود صد و نود تومن یعنی شدت تومن هم در روی این صد و سی تومن میگذرد یعنی میشود ۱۹۰ تومن حالا طبق تصویب بنامه کنونی ما همان حساب ده لیره را میکنیم مطابق تصویب نامه که نرخ رسمی بوده حساب ۶ لیره ضرب در یکصد و سی ریال میشود ۷۸ تومن ، چهار لیره هم باید گواهی نامه بخرند ، چهار ضرب در دویست و سی و چهار میشود ۹۳۶ ریال جمیع این دولت میشود ۱۷۱۶ ریال حالا این شدت تومن را برای چهل و پنج درصد انحصار گرفتیم حالا یک تلک آن را هم باید ۲۰ تومن اضافه کنیم میشود ۱۹۱۶ ریال فقط از قرار ۱۰ لیره ای شاذ زده ریال این اضافه ایست که شده است و میگویند که نرخ را ارزان کرده این زیرا تفاوت عمل مبارات است از هزار و نهصد و شانزده منهای یکهزار و نهصد ریال مساوی است با ۱۶ ریال بنابر این بنامه کوئی قماش گرانتر وارد نمیشود و ۱۶ ریال اضافه میگیرند این را که عرض کردم یک حساب ریاضی است آقا بخوانید به بینید یک اشتباہ هست ؟ از این جهت است که بنده هر عنصر میکنم یافته نیامده است بلکه بالا رفته است فقط تبعیه اش این است وقتی که چشم کور من باین ارقام افتاد دیدم که دویست میلیون ریال برای اشخاصی که قماش در گمرک دارند پاناه تخفیف داده شده است آنوقت نام اینکه ما میخواهیم بنابر این اینکار هارا میکنند چطور ممکن است من آفانه هم نوشته بودم بوزارت دارائی و هنوز جواب نرسیده است (رحیمیان - آقای اردلان یعنی از صدور این تصویب نامه آیا در بازار گرانتر شده است یا ارزانتر ؟) البته گرانتر میشود وقتی که جنس را گرانتر وارد میکنند چطور میشود از این تغییر بتنده آقایان نمایندگان در همین جا یک وقتی یک عرباضی گردید و گفتم اگر من صدتاً بیشنده بکنم و هر صدتاً و آقایان نمایندگان در بیکنند بن- بر نمیخورد من باید وظیفه نمایندگیم را انجام بدهم و انجام میدهم (صحیح است) اینجا هم حالا هر ضمیکنم روی یک حسابی آنوقت بعضی از آقایان اینجا نشسته اند روی صندلی نمایندگی و میگویند یافته نمایندگان آمده است نرخ بازار چطور با این حساب ممکن است یافته باید ؟ بنده قول داده بودم که یک ساهت حرف بزنم (نمایندگان - بفرمائید آقا) یادداشت های بنده چهارده قسم است بنده نه تای از آن یادداشت ها را خوانم پنج شش تای دیگر باقی مانده است (نمایندگان - بفرمائید آقا) مسائل سیاسی و مسائل اقتصادی در بعضی موارد بسیار بهم بسته و مربوط است اگریک دولتی بخواهد در شهری حکومت نظامی اعلام بکند و سایل اینکار را فرایم میکند یعنی اول دونفر توی کوچه دهوانی میکنند و بعداز این دعوا کسی کشته میشود مردم بجهان میایند و بجهان میایند و طالب حکومت نظامی میشوند تا این که راحت بشوند در مسائل اقتصادی هم نظر این قضایا بیش میاید من الان چهار روز است که مشغول با زحمت زیاد این مطالب را دارم تهیه میکنم مدارک زیادی تهیه کرده ام که میخواهم برای آقایان قضایا را در این مقاله میگوینم هر عنصر میکنم یافته نمایندگان آمده مصنوعی و این بازار ارزی که میگویند یافته نمایندگان آمده مصنوعی و

کنند و لی بعد دیدیم که بکار درگیر کردند آقا، نوشته اند اشخاصی که در گمرکات ایران الان قماش موجود دارند پایانها صدی سی از این مالبات را ما تخفیف میدهیم یعنی هالمان اعلام آذوهای مملکتی در حدود دویست میلیون ریال یک هزار اشخاص میم و مسلمی بخشیدند. بعد وقتیکه این تصویب نامه دومی را خواندم برای اینکه هیچ ابهامی باقی نماند که نکویند همچو جیزی نیست قسمت ۱۲ تصویب نامه مورخ ۲۰ مرداد را بنده میخواهم « قماشها میم باشد درصد ارز گواهی نامه صادراتی یابدون انتقال ارز بکشور وارد شده و در گمرک موجود میباشد و همچنین قماشها میم که باین نحو بعداً وارد میشود مشمول تخفیف سی درصد حق انحصار خواهد بود، من یک کاغذی بوزارت دارایی نوشتم و استدعا کردم که خواهش میکنم اسماعیل اشخاصی که قماش موجود دارند برای من بنویسید و تعیین کنید که از چه تاریخ اینها قماشان در گمرک بوده و یعنی نیاورده اند تایشکه از مطابقه این صورت اولاً مابغایم چه اشخاص بینوایی، چه اشخاص مستحقی مشمول این معافیت شده اند و بعدهم بهینیم اینها چند وقت است که این قماشان در گمرک مانده و یعنی نیاورده اند ولا بد واقع باین جریان بوده اند که بیرون نیاورده اند والا بیرون می آورند و با این نزد بالا در بازار میفرخندند. این کاغذ را بنده روز شنبه گذشته با پیشتر شهروی فرستادم بوزارت دارایی ولی تاکنون بینده جوابی نرسیده است من قول میدهم باقی این نهایند گران که هر وقت این نامه رسید دراینجا قرائت میکنم ولی مقصود بنده اشخاص نیست، اشخاص را مایگذاریم که این هر که هست از یک عدد مردم بینوای ساکن بندر بوشهر که ماباید دوا برای آنها برقرار سیم یک مالبات گواهی نامه میگیریم از کامیونی که برای آنها می فرستیم یک مالیاتی میگیریم و بعد یک چند نفر گردند کلتفتی که تمکن دارند از آنها مالیات نمیگیریم هیچ سزاوار نیست که ما ازین اشخاص بگیریم و با آن اشخاص بیخشم این دویست میلیون ریال را این صحیح است؟ شماها تصدیق میکنید؟ یک همچو یولی را می بخشید کی بشما اجازه داده است! (نخست وزیر — حالا توضیح میدهم) بفرمائید (اورنک — باز هم خونسرد باشید) در تصویب نامه ای که هشت وزیران صادر کرده اند با این همه مستحبی که مردم تحمل میکنند باز اسباب بدینه مردم است (معتمد دماوندی — یک خورده خود داری بگنید از کردستان هم برای شما تلکراف می آید) دولت آقای هزیر در تصویب نامه ایکه صادر کردن تصویب کردند مابین میم درصدی که تخفیف دادیم برای این است که قماش ازان بشود این یک نسخه راهنم تندنویس بگیرید که ثابت بشود این را از روی ارقام ریاضی میگوییم این قماشی که ایشان تخفیف دادند گرانتر وارد میشود تا قماش سابق حالا بنده یک حسابی برای آقایان میخواهیم استدعا میکنم توجه داشته باشید عرض کردم من اینها را میگویم در مجله رسمی هم نوشته بشود حساب قماش ولی اگر آقایان توجه بفرمائند زد و روش خواهند شد.

۱ - در سابق حساب ده ایله خرید قماش از لندن عبارت بود از ده ایله ضرب در یکصد و سی ریال مساوی است با هزار و سیصد ریال صدی چهل و پنج

وضع مالیات جطور است آفای سزوار ؟
سزوار او - شما میکنید مالیات با تفاوت
ارزی یکنی است ؟ شما ایندتوار یکنی حساب میکنید
(زنگ رنیس)

اردلان - اتفاقاً این قانون دهم استند ۱۲
بقدرتی روشن و صریح و ساده نوشته شده است
اصلاً نمی شود گفت هیچ ابهامی درش هست .
گویند بهر اسم و رسم که باشد حالا شما اسمش
بگذارید گزارش ، اعلامیه ، گواهننامه ، هر چیز
اسمش را بگذارید یولی که از این میکنید گرفتند
من نوع است این باید بالاجازه مجلس شورای مدنی
باشد حالا ممکن بود که ماتصور بگنند که بانکه
ایران - یاک معاملات صرافی میگنند ، یاک یو
میگیرد و یاک یولی هم میدهد و دولت هم اهتمام
نیست حالا بند متن تصویب نامه جناب آفای هن
را راجع باین موضوع می خوانم تا به بینند که این
اینه بحساب دولت است حالا وقتی کاین را خواندم قضیه
روشن می شود اجزاء بفرمائید «قسمت چهار تصویب
نامه موخر ۱۳۷۵ روز ۴ ». برای خرید و فروخت
گواهی از حسابی در بانکملی ایران بحساب دولت
(وزارت دارائی) باز خواهد شد و کلیه وجه
در راستی از بابت گواهی ارز به بستانکار و کلیه
مبالغ پرداختی بابت خرید ارز به بدهکار خریدار
منظور خواهد کرد » آقایان نمایندگان هر یو
که دولت خرج میکنند از جزانه دولت باید خرج شود
و هر یولی که دولت میگیرد بخزانه دولت باید وا
شود هیچ یولی وارد خزانه دولت نمی شود مگر یو ج
قانون ، هیچ خرمی از خزانه دولت نمی شود
مگر بوجوب قانون ، ایشان چیز بایس واضح
در تصویب نامه شان می نویسند و مبنی وسند بحس
دولت ، دولت جطور می تواند بر خلاف قانون
مالیات بگیرد بحساب خودش و یا از یول خزانه
بگیرد و یا بهمان یول خزانه بحساب دولت بیاورد
قانون تعین کرده است که در آمد های حاصله بای
بوجوب قانون گرفته شود و هزینه ها بوجوب بود
های مصوب مجلس شورای اسلامی و بوجوب قانون بشو
در این جامی نویسد « که حسابی در بانکملی ایران
بنام دولت (وزارت دارائی) باز می شود که آنها
می خرد از طرف دولت بخرد و آنها میگیرد بحس
خزانه دولت و وزارت دارائی وارد مکنند » این
خلاف قانونی نیست آقا ؟ چه بفرمائید (نگاه
وزیر - حالا توضیع میدهم) بفرمائید . یاک موضو
خلاف قانونی که دولت جناب آفای هزیر فرموده
و بنده بسیار با آن اهمیت میدهم اینست که دولت
جناب آفای هزیر دویست میلیون ریال از خزا
دولت را بوجوب این تصویب نامه بخشیدند . من این
حرف را که میزنم باید مستند بر قم باشد . و قدم را موضع
کاین در صورت مجلس هم بثت می شود آقایان
الآن هم توجه بفرمایند من توضیح کانی خواهم داش
تا معلوم بشود که چگونه دولت جناب آفای هزیر
از کیسه خلیفه دویست میلیون ریال بخشیده است
حالا معلوم میشود . آقایان نمایندگان محترم مستحضر
هستند که هر دولت یاک بوجده ای که بمجلس میدهد
یاک ستون در آمد دارد و یاک ستون مخارج دارد
این بودجه سه مرحله را طی میکند مرحله اول
اینست که دولت می آید این لایحه بوجده را ب مجلس
تقدیم میکند تا آن زمان در اختیار خود دولت است

ایران زیاد شده بدینه تا نه و متأسفانه از همان تاریخ
هم تقریباً در چند ماه بعدش می بینیم که محدودیت های
فروش ارز در دستگاه مر بوط بفروش ارز بوجود
آمد حالا به بینیم کابین شرکت نفت ایران و انگلیس
از این گرانی ارز که دولت جناب آقای هزیر
بموجب تصویب نامه برقرار نمودند استفاده خواهند
کرد یا خیر ؟ این موضوع بحث بنده است - تبصره
اول تصویب نامه مورخ ۵-۴- ۲۷ هیئت وزیران
اینطور مبنی سد برای ارز هائی که بواسطه
سفارتخانها و سپاهان و اشخاص و مؤسسات متفرقه
فروخته می شود گواهی فروش ارز داده خواهد شد،
اولا منه میگوییم که یک شرکت بنام شرکت نفت
انگلیس و ایران در ایران هست که ما باید در مقابل
او زور داشته باشیم ، ما باید حرف حساب بزنیم ،
ما وقتی که در تصویب نامه هیئت وزیران میگوینیم
مؤسسات آزاد ، و از مؤسسات آزاد هم لیه شان
را بیست و سه تومان و چهار قران میغیریم چطور
ممکن است که بشر کت نفت ایران و انگلیس بگویند
که ما لیه تورا ۱۳ تومان میغیریم ، بنده میخواهم
بگوییم ماباید یا باز از بشر کت نفت ایران و انگلیس
بگویند یا با حرف حساب نه حرف حساب داریم نه
زور بنا بر این مثل روز برای من روشن است
(منهند رضوی - این را هم مسجل نهایتی چون
بهر حال ما باید بگذاریم) راه فراوش است ،
ملاحظه بفرمانهای یک وقتی است که بنده هر ایض
خودم را عرض کردم گفتم بین یار و فرزند ، بین
رئیس و مرتوس بین و کیل و موکل بین دولت و
مجلس اکر یک صمیمهت و پرادری وجود داشته باشد
هیچ اختلافی بیندا نمیشود ولی این صمیمهت و سکانکی
نیست بخدا ، شما در تصویب نامه نوشته اید از
شرکت نفت آمد و بعنایی داوری داد گفت
قسمت اولش باز میگنید ، حالا من بشانتوضیح میدهم
اگر هر کت نفت آمد و بعنایی تقدیری کردام ، شما چه میگویند ما باید زور
داشته باشیم و اگر این حرف را امروز نزند یک
سال دیگر نزند ، دو سال دیگر نزند آخر ماه
کاری که میخواهیم بگنید باید در روی یک اساس
باشد ، در تصویب نامه نوشته است که اشخاص و
مؤسسات متفرقه ، این اشخاص راحالا برای آقایان
تفسیر میکنند ، جنابالی یک مؤسسه خارجی هستید
در ایران ، اسمتان تجارتخانه تفنگچیان ، مشعل ،
شرکت نفت ایران و انگلیس هر چه میخواهید میگذارید
عضو دارند ، مستخدم دارند هوش این که لیه خورد
کنند یعنی حقوق اشخاص را بریال بدهند صد اکتفی
و بگویند که آقای دئیس اداره فلان تجارتخانه شما
در محض اینکه حقوق کارمندان خود را بریال بدهید
و لیه ۱۳ تومان را در بانک خورد کنید در هوش
اینکار بکارمندان خود لیه بدهید و این عمل هم
برای شما غرقی که ندارد و در این تصویب نامه هم
کدولات راه آن را باز کرده آن هضو هم میاید و
بیانک ملی ایران میگویند من از اشخاص متفرقه
هستم این ۰۵ لیه را از من بخرید هر لیه ای بیست
و سه تومان و چهار قران و شرکت هم نفوخته
است و همچنین تجارتخانه تفنگچیان و کتابه هم ارزی

ازمصوب استخراج شده شرکت را بدولات امریکا بفروشد. لذا آفایان نماینده‌گان محترم باید در پژوهانها خوانده باشید که درهای دروز پیش نوشته بودند دولت یوگوسلاوی بمناسبت اینکه دولت رومانی نفت مصوب خودش را با نیافرود شد فرار داد باش که نفت ایران و انگلیس بسته است که در سال ده میلیون تن نفت خام باو بفروشد و هیچ استبعاد ندارد که چند روز دیگر دولت آلبانی هم همین قرارداد را بینند و دولت یونان هم همین قرارداد را بینند چرا ؟ برای اینکه این دولت‌ها نفت مورد احتیاج خودشان را از دولت رومانی میگرفتند و حالا دولت رومانی هم بمناسبت تزدیگ شدن بadolat اتحاد جماهیر شوروی و اختلافی که دولت اتحاد جماهیر شوروی با این دولتها پیدا کرده مانع شده است که مثل سابق با آنها نفت داده شود. آمدند بشرکت نفت ایران و انگلیس مراجعه کردند بنابراین ماحصل میکنیم علت این که ریال مورد احتیاج بشرکت نفت ایران و انگلیس زیاد شده است جیست، او احتیاج دارد که باندازه کافی نفت استخراج کند و حوایج سالیانه خودش را مرتفع کند. احتیاجات سالیانه خودش که بهجای خود، قراردادی هم بadolat امریکا بسته و همچنین بadolat یوگوسلاوی و باید نفت مورد احتیاج آنها را هم تأمین کند و دولت یونان وغیره هم هستند که باید نفت با آنها هم بفروشنده بنابراین ماقوری حسن میکنیم که در سال ۱۹۴۶ که غروش ایره شرکت نفت بیانک ملی ایران زیاد شده برای چیزی ؟ آفایان نماینده‌گان با اعمال تأسیف و حسرت باید عرض کنم از همان تاریخی که ملاحظه میفرمایید سال ۱۹۴۶ که این قراردادها بسته شده فروش لیره او زیاد شده از همان تاریخی که برای آفایان خواندم از همان تاریخ هم محدودیت فروش ارز برای شما زیاد شده است یعنی این تاریخها باهم تطییق میکنند و شنیده که تحال سه میلیون، دو میلیون میفرماید نکران نبوده میلیون تقاضت بازار آزادش بود، از آن روزی که شروع کرد زیاد ارز بفروشد گفت خوب، چه عجب دارد که من ارز خودم را بعوض سپرده توانم بیست و سه تoman و چهار قران بفروشم از همان روز چه هر ض کنم، دوستان وفادار شروع کردند جلوی ارز را گرفتند من در همان روز در مجده بیانک ملی ایران خواندم در اواخر سال ۱۹۴۶ بود که پوش پوش این فروش جلویش گرفته شد دولت آفایی حکیم الملک تصویب نامه صادر کرد و گفت باید بفروشد ولی این کار را نکردند اعتنا نکردند (آزاد - کی اعتنا نکرد آقا ؟) نمیدانم و چکار کردند یک نگاه دیگر راهم باید ضمناً عرض کنم که در مسائل اقتصادی این ها مثل زنجیر بهم بیوسته است یعنی شما اگر آمدید لیره را سپزده توانم قروختید ماه اول و ماه دوم نفوختید هیچ اثری ندارد این کارها جزاین که یک یوله‌نگفتش بجیب عدمای بریزد غاییده دیگری ندارد (صحیح است) باید شما در ماه دوم هم میفرمایید که سوم هم همینطور تا اینکه این عمل بطوط مستمر ادامه داشته باشد و من که کلامی سفارش میکنم اگر کالای خودم را نفوختم دیگری بیاورد . وقتی که گزارش بیانک ملی ایران در دیدم آنچه توجه نمایم که در این نامه که در این کارهای اسلامی از همان تاریخ ما، بیشتر که فروش ایره، بیانک ملی

ولی در این تصویب‌نامه دولت بالا مکنس آن عمل شد
یعنی فاصله طبقه اول و سوم را آن اندازه که بود
باز زیادتر کرده است و این هم یک حقیقتی است
هر کسی که بول زیادتر داشته باشد چندین میلیون یو
داشته باشد میرود در بانک ملی ایران لایه میخرد
فردا همین لایه را چهل تومان پخورد ما میده
چرا مرزواین هر ضرایم کنم یکی از آقایان نایندگان
محترم یعنده فرمودند لذانی استیضاح توموردن ندار
گفتم جرا ۱ فرمودند این بحث را خواهد تویک روز ممکن
است راست در بیان ولی چه وقت همه آن را دیگر
و حالا گفتن آن فایده نداره هرچه بگوئی قسم بخور
که با این وضع واله زندگی بهتر نمیشود، ارزان
نمیشود کسی این حرفا را گوش نمی‌دهد من د
جواب ایشان این شعر را خواندم
عرش دراز باد که بر مرکز پیگنانه
وقتی درین گفتگو کنی از کمان گذشت
من خودم می‌فهم ولی اگر کحالانکویم و بگذار
برای ۶ماه بعد، با این وضع از این مملکت چون
باقی نمی‌ماند وقتی ما صادرات ندادسته باش
نمیتوانیم از لحاظ اقتصادی روی یای خودمان بایستی
ما باید تمام کوشش خودمان را معمولی باین قسم
پکنیم، در کشور ما دو عامل برای فروش ارزش
یکی صادرات است و یکی هم شرکت نفت ایران
انگلیس بنده خودم از این تصویب‌نامه خیلی بدمنی
بوی نفت خود را است خواستم در این خصوص ی
قدرتی بیشتر بعرض آقایان برسانم، نسبت به صادرات
که حرفی نبود اگر کسی جنسی صادر میکرد آ
جنس مال خودش بودیا یعنیکه اگر کسی جنسی و ا
میکرد آنهم مربوط بخودش بود پس کی ناراج
بود ؟ شرکت نفت بود، بنده یک نامه ای بوزار
دارایی نوشت که بینم این شرکت نفت بما در
چقدر ارز میفروشد، حالا چقدر میفروشد و سا
چقدر میفروخت که افلام مسبوق باشیم حالا این ن
که از طرف وزارت دارایی برای بنده رسیده است
نمیخواهم وزارت دارایی مینویسد که مقدار لایه
که شرکت نفت ایران و انگلیس در سالهای ز
 بواسطه احتیاجات ریالی خودبیانک ملی ایران فروخت
بشرخ زیر است :

در سال ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴	۲۰۰۰۰۰۰۰
در سال ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵	۴۰۰۰۰۰۰
در سال ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶	۳۰۰۰۰۰۰
در سال ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷	۴۰۰۰۰۰۰
در سال ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸	۲۲۶۴۰۱۱ لیره

بنابراین فوآ پیش از میخوا
چهار دور شد که یکمرتبه از سه میلیون ۵۰ هزار
میلیون و بعد بیازده میلیون رسید، در اینصورت
هر کس علاقه بملکت دارد فوراً در صدد کار
برمی‌آید که بینند چه بحثی قضیه چیست، آقایان
نمایندگان محترم بخاطر بیان این موضع
نهادند که دولت انگلیس یعنی شرکت نفت ایران
میانه که در ایران ایشان شده بود یکدفعه صادر
بشدود و یکدفعه بفروش برود در صورتی که در این
سالها که جنگ تمام شد کلاهای صادراتی مادریکسال
کمتر از سالهای بیش بود خوب این ممکن است و
کسی که هلاقه بملکت دارد البته در این موضوع
توجه خواهد کرد و ایندانه که صادرات چقدر در
وضع این مملکت تأثیردار تاثیری که دارد یکی موضوع

نسبت باین موضوع بعثت نیز گرد (دهقان - مال خودمان است) دولت انگلستان اکر فرض میگرد که شش سال که جنک طول کشیده بکمایه هم بیشتر طول کشیده هزینه جنکی او را در مدت یکماه ممکن بود تا آخر مدت فرارداد این گفتگو و این اختلافات پیدا نشود من با کمال تأسف باید عرض کنم وقتی که در کتابخانه مجلس پس از چند روز مطالعه باین موضوع حیاتی برخوردم که گرانی ارز صنوفه بوده و ما خودمان باعث شدیم و تاریخ آنرا تطبیق کردم با تاریخ فرارداد نفت با امریکا، ممکن است من اشتباه کنم (نخست وزیر - حتماً اینطور است) ولی این شعر داشتمند ایرانی بیاد آمد، چون نویسنده نظر گرد بر خوبی در او دید، هرچه هست: مأسماه از طرف خود ماست که بدینختی برای این مملکت فراهم میشود.

رقیس - آقای اردلان تأمل بفرمایید یعنی ارادی رسیده قرائت میشود.

مقام معتبر مریاست مجلس شورای ملی، چنانچه موضوع استیضاح امروز تمام نشود برای رسیده گی آن فردا صبح جلسه تشکیل پشود تا مجلس بتواند هر چه زودتر بوضایف دیگر خود و کارهای که در پیش دارد که اهم آن بودجه است بررسد. صدرزاده رقیس - با این نظر مخالف هست؟

بعضی از امایندگان - تمام میشود.
اردلان - تمام نمیشود امروز

۳ - هوقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رقیس - خودشان میگویند که تمام نمیشود
و بخلاف آقای نخست وزیر هم باید جواب دراستیضاح را پذیرد این است که امروز تمام نخواهد شد بنا بر این جلسه فردا صبح خواهد بود و جلسه بعنوان تنفس میشود.
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

میفرمایید در تصویب نامه اینطور نوشته نشده استیضاح بنده است که مؤسسه ای این که حقوق ویالی پذیرد ۵۰ لیره میدهند و این شخص مراجعت شده است که مؤسسه ای این که حقوق ویالی پذیرد ۵۰ لیره میدهند و این شخص مراجعت شد این که استیضاح نفت یک تشریفاتی دارد یعنی شما میروید به کجا ساران و با قاطر هم میروید از کجا ساران تا هفت گل و مسجد سليمان باید یک جاده شوسه ای بازازید و بیست فرسخ نفت بیاورید اوله کشی بکنید خوب آقا، یک شرکتی در خوزستان ایجاد شده، شرکت فرش بفرمایید بنام بیچلنده کمپانی یک اسمی برای خودش میگذارد شما آزاد کذاشتبه غیر از شرکت نفت هر موسسه ای که در سراسر ایران بوجود میآید ارز خودش را بیاورد بما بفرمایید با گواهینامه بیست و سه تومان وجهار قران در اینصورت لازم نیست که شرکت نفت برای ساختن این جاده ها خودش هامل مستقیم باشد این شرکت ها مباین خودشان مستقیماً از شرکت نفت کفترات میگذند و تمام کارهای شرکت نفت و این مؤسسه ای این که در این تصویب نامه نوشته شده انجام میدهند با ارز ۲۴۶ ریال نتیجه اش این است که بنده که در بوشهر هستم و محتاج بگذارم هستم باید مالیات بدهم یوش را میدهم بآن کمیابی که در خوزستان نفت استیضاح میگذند و چرا شرکت نفت ایران و انگلیس که ما حس میگذیم در صدد این اقدام ممکن است باشد مطابق این تصویب نامه راه را برای آن باز کرده باشیم، اگر این راه نبود اعتراض نداشتم، تمام دعاوی ایران را اگر شما نسamt بشرکت نفت ایران و انگلیس بستجه ای شاید بقدر هزینه یک روز جنک انگلستان نباشد، دولت انگلستان در روز ۱۶ میلیون لیره خرج جنک میگرد، شرکت نفت ایران و انگلیس با در مال ۶ تا ۷ میلیون و نیم میدهد و اگر دولت انگلستان هزینه یک روز جنک خود را بآن اضافه میگردد و بما مبداد و خیال میگرد یک روز بیشتر جنک طول کشیده ملت ایران اینقدر در هر جا و در هر مجلسی نفوخته اند و تصویب نامه هم بجای خودش باقیست ولی بیک شخصی، یک عضوی عوض این که حقوق ویالی پذیرد ۵۰ لیره میدهند و این شخص مراجعت میگذند بیانک ملی ایران و آن را میروشد و این تجارت تغاهه خارجی هر کس هست در عوض این که صد لیره بیاورد بیانک ملی ایران بفرمایید و هزار و سیصد تومان بگیرد و از آن حقوق آن عضو و رئیس اداره اش را بدهد باو ۵۰ لیره میدهد و آن عضو هم همان ۵۰ لیره را فرخه بهمین مبلغ و حقوقش را گرفته است، ما اهالی این مملکت نصف هزینه این تجارت تغاهه را و آن شرکت ها را بدش خودمان گرفته ایم و باید این آقایان دقت گنند و درست حساب کنند که این حساب صحیح است یا صحیح نیست، شما بظاهر امر نگاه نگذید بیاطن امر نگاه کنید من از آقایان نمایندگان محترم سوال میگذرم که مگر حالاً قانون لازم داشته اند از ۱۳۱۳ قانون ارز بقوت خودش باقی است هر کس ارز دارد باید بدولت بفرمایید بزرخ رسمی مجال است که بسقار تغاهه رسمی که در ایران هستند اینها بایند یک امر برخلاف قانون بگذند، این ما همه مشاور قضائی دارند از تخلف اینکار مطابق قانون ارز مطابق دادگاه ویژه ارز خودداری میگذند و غیر ممکن است، ولی شما آمدید یک راهی باز کردید و گفتید که تو بنام سفارت تغاهه یا سپاه لیره را مطابق قانون ارز بزرخ رسمی بخر و بیست و سه تومان و چهار قران بفرمایید (ارباب - حالاً هم سیزده تومان است) آقا تصویب نامه این طور کرده است بنده چه بگذرم بنده اهترافم باین تصویب نامه است من وقتی که این استیضاح را تقدیم کردم به مجلس آقایان ارباب جراید از من خواهش کردند که یک نسخه از استیضاح را بدهم ولی من امساك کردم که شاید دولت جناب آقای هزیر که این تصویب نامه را بزیان مملکت است آنرا لغو بگذند و من هم این اهتراف خودم را بس بگیرم و چون تصویب نامه را مخون نگذرنده هم باهتراف خودم باقی ماندم من مجبور شدم جناب آقای ارباب مهدی، جناب مالی